گفت و گو

جای خالی متولی هنر عکاسی

مرتضوی- از میان ابزارهای مختلف برای ثبت خاطرات، عکس را انتخاب و گرفتن دوربین عکاسی به عنوان هدیه پای او را به این دنیا باز کرد. در روزهایی که «پیمان حمیدی پور» مشغول تحصیل در وادی هنر بود، ارتباط با علاقه مندان به عکاسی در پایتخت و تماشای آثار هنرمندان در طول دوران تحصیل اش سبب شد او بیش از گذشته به این هنر علاقه مند شود. حالا سال ها از فعالیت اش می گذرد و او از دل مشغولی هایش در این حوزه می گوید.«حمیدی پور» از این که جای خالی متولی هنر در رشته عکاسی به خوبی احساس می شود و از خارج کردن عکاسی از زیرمجموعه هنرهای تجسمی و قرار دادن آن در دل انجمن سینمای جوان، برای مان می گوید و معتقد است: متاسفانه اگرچه این انجمن در ابتدا روند خوبی را با برگزاری پاتوق های هفتگی در پیش گرفت اما اکنون هیچ اتفاقی رقم نمی خورد و این سوال مطرح می شود که عکاسی چه جایگاهی در این انجمن دارد؟

او با توجه به سلایق مختلف در دنیای عکاسی، وجود تعدد محافل و انجمن های عکاسی را در استان ضروری می داند و نبود چنین محافلی را یکی از معضلات فعلی عکاسی استان بیان می کند.

اگرچه او فعالیت پاتوق هفتگی عکس به همت حوزه هنری را تنها اتفاق فعلی در حوزه عکس استان می داند که در سال های اخیر شکل منسجم تری با راه اندازی خانه عکاسان به خود گرفته اما معتقد است: این حرکت به تنهایی کافی نیست و به نظر می رسد با توجه به این که چارچوب های خاص خود را دارد، نمی تواند همه سلایق را در خود جمع کند.

او البته انجمن عکاسان را همچون کودک نوپایی می داند که نیاز به حمایت دارد زیرا از ردیف بودجه ای برخوردار نیست، از این رو جای خالی انجمن عکاسان استان احساس می شود.ضعف مطالعات در زمینه عکاسی از سوی فعالان و علاقه مندان به این هنر از آسیب هایی است که از نگاه «حمیدی پور» وجود دارد البته او مشارکت نداشتن دستگاه های مختلف با متولیان هنر عکاسی استان را از دیگر نقاط ضعف مطرح می کند.او حال و روز عکاسی استان را با وجود کاستی ها خوب می داند و وجود عکاسان خوب در شاخه های مختلف، مدرسان و تئوریسین های خوب در این عرصه را دلیل این ادعا بیان می کند.

او باور دارد: با توجه به ظرفیت های خوب در استان می تواند اتفاق های بهتری در این خطه رقم بخورد .

فراموشی بخش مهمی از فرهنگ شفاهی استان

نوای خاموش لالایی ها

مرتضوی

این روزها دیگر از زمزمه های آرام و دلنشین خبری نیست؛ نجواهایی که روزگاری دردها و آرزوهای مادران این سرزمین را برای مان تداعی می کرد، در عصر شتاب و روزگاری که فرهنگ زیر چرخ های توسعه اقتصادی پنهان شده، رنگ باخته است و بی پیرایه ترین زبان ذهن زنان این سرزمین رفته رفته کوتاه و کم رنگ تر می شود و نسل امروز با لالایی ها بیگانه تر. حال که می شود شکوه فکر و فرهنگ اقوام خراسان شمالی را در لالایی ها به تماشا نشست، کاش دستی پیدا شود و جهانی را برای مان به تصویر بکشد به بلندای تاریخ و فرهنگ این سرزمین.

لالایی ها نخستین نجواهای دردآلود و شادی بخش و بیاناتی واقعی از زندگی به شکل کودکانه همراه با موسیقی هستند که به گفته «حسن اسعدی» از فعالان فرهنگ عامه، بزرگ سالان بسیاری دغدغه ها و مشکلات شان را برای فرزندان شان نجوا می کنند.

از نگاه این فعال فرهنگی و ادبی، لالایی ها در میان قوم تات از اهمیت بالایی برخوردار هستند و به نظر می رسد باید جرقه ای زده شود تا دانشگاه ها و محافل علمی، دانشجویان را به سمت گردآوری فرهنگ و ادبیات شفاهی و تبدیل آن به ادبیات مکتوب سوق دهند تا زمینه نجات این بخش از فرهنگ شفاهی میسر شود.

او لالایی را نجوای رندانه ای می داند که هنوز میان قوم تات زنده است و مادر بزرگان گهواره جنبان نواده ها و نبیره های خود هستند، از این رو می توان اذعان کرد هنوز هستند زنان ایلیاتی و روستایی که فرهنگ قومی و سنتی خود را حفظ کرده اند.

او لالایی ها را یکی از سرمایه های فرهنگی و خوب قوم تات و بسیار قدرتمند و غنی می داند که می توانیم با بهره گیری از آن ها بیشتر به تبیین مبانی، عینیت ها و ذهنیت های زندگی این قوم بپردازیم و به نظر می رسد باید اهل ذوق و قلم به این مقوله بپردازند و برای جمع آوری آن ها گام بردارند.

«اسعدی» از این که رفته رفته نجواها کوتاه تر، کم رنگ تر و سطحی تر می شود، سخن می گوید و بر این مسئله که لالایی ها به عنوان ذخیره فرهنگ شفاهی باید از زبان مادربزرگ ها و مادران خارج شود و شکل مکتوب به خود بگیرد، تاکید می کند.

او از تاثیرات عمیق روانی، تربیتی و اجتماعی لالایی ها در گذشته غافل نمی شود و به مقایسه تربیت نسل گذشته با امروز می پردازد و از فاصله های موجود سخن می گوید که به واسطه کم رنگ شدن این مقوله سبب شده نسل امروز با لالایی ها بیگانه باشد.

> لالایی ها به عنوان ذخیره فرهنگ شفاهی باید از زبان مادربزرگ ها و مادران خارج شود و شکل مکتوب به خود بگیرد

در واقع این فعال فرهنگی بر این باور است: نسل امروزی که بدون لالایی بزرگ می شود، ارتباط روحی و معنوی خوبی با پدر و مادر و سنت های گذشته اش ندارد و به نوعی با گسست فرهنگی مواجه است تا جایی که باید گفت، تَرک لالایی ها نوعی گسست فرهنگی است.

از نگاه «اسماعیل حسین پور» پژوهشگر فرهنگ عامه، در میان قوم کرمانج لالایی ها به ویژه بومی و محلی، آیینه ای است که می توان در آن مهر و امید، حسرت و غربت، عشق و عاطفه را به تماشا نشست.

او لالایی را بی پیرایه ترین زبان ذهن زنان این سرزمین می داند که نجواهای از دل برخاسته را بر زبان مهمان می کنند و می توان در انبوه لالایی های به یادگار مانده از دیروز، زندگی پر فراز و فرود این مردم را در میان این دل سروده ها که به کتاب پر ورقی می ماند، مرور کرد.

«حسین پور» بر این باور است که گردآوری علمی این لالایی های به یادگار مانده در مناطق روستایی و عشایری و به ویژه در بین کهنسالان می تواند به گنجینه ای ارزشمند تبدیل شود و می توان شکوه فکر و فرهنگ اقوام خراسان شمالی را در این لالایی ها به تماشا نشست.

او این را هم می گوید که در صورت تعلل در این کار، بخش عظیمی از فرهنگ شفاهی نیاکان این مردم که میراث معنوی شان است در خاک دفن می شود و باید در حسرت لالایی های زلالی باشیم که یادگار ایل و آبادی است.

«داوری» از کارشناسان زبان و ادبیات فارسی از این که لالایی ها هنوز هم در میان قوم ترکمن زنده است و به آن ها پرداخته می شود، سخن می گوید اما او به این نکته که این زمزمه های دلنشین بین مادران جوان بسیار کم رنگ شده است، اشاره می کند و لالایی ها را تنها در میان مادربزرگ ها و همان هایی که به گهواره معتقد نیستند و هنوز بالشت روی پای شان می گذارند، پر رنگ می داند.

او لالایی های ترکمن را برگرفته از وجود، افکار و آرزوهای فرد می داند که سینه به سینه منتقل نمی شود و در واقع معتقد است: لالایی حدیث نفس مادر است.

از نگاه او هر یک از بانوان لالایی های مختص به خود را در دل دارند و می توان گفت با مرگ یک مادر بزرگ، لالایی هایی که برگرفته از محیط پیرامون، اتفاق ها و وضعیت اجتماعی است به خاک می رود. این فعال فرهنگی از این مسئله که ممکن است برخی از لالایی ها در یاد دختران جوان ماندگار شده باشد و برای نسل امروز تکرار شود هم غافل نمی شود و آن را نقطه امیدی در حفظ هویت و فرهنگ قوم ترکمن می داند.«داوری» لالایی ها را بخشی از فرهنگ قوم ترکمن می داند و بر حفظ و ماندگاری آن ها تاکید فراوانی می کند و معتقد است: لالایی های قوم ترکمن به مسائل درونی، افکار و محیط پیرامون مادر برمی گردد و لالایی یک دوره، ریشه در اتفاق های آن دوره، تاریخ و فرهنگ و در واقع نشان از هویت فرهنگی دارد.

بر بال خیال

آیینه

هر چه آیینه به توصیف تو جان کند نشد
آه، تصویر تو هرگز به تو مانند نشد
گفتم از قصه عشق ات گرهی باز کنم
به پریشانی گیسوی تو سوگند، نشد
خاطرات تو و دنیای مرا سوزاندند
تا فراموش شود یاد تو، هر چند نشد
من دهان باز نکردم که نرنجی از من
مثل زخمی که لبش باز به لبخند، نشد
دوستان عاقبت از چاه نجاتم دادند
بلکه چون برده مرا هم بفروشند، نشد

فاضل نظری

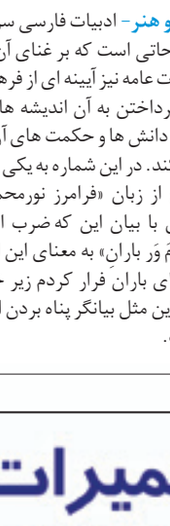

باران

میان ماندن و نماندن
فاصله تنها یک حرف ساده بود
از قول من
به باران بی امان بگو
دل اگر دل باشد
آب از آسیاب علاقه اش نمی افتد

سید علی صالحی

تمنا

شعرهایم
به تمنای چشمان توست
چشم هایت را نبند
هستی ام به باد می رود...

ناظم حکمت

امثال الحکم

ژَور دلوپ رَوی مَور بارانِ

گروه ادب و هنر- ادبیات فارسی سرشار از مثل ها و اصطلاحاتی است که بر غنای آن افزوده، به تبع آن ادبیات عامه نیز آیینه ای از فرهنگ قومیت هاست که پرداختن به آن اندیشه ها و تجربیات گذشتگان و دانش ها و حکمت های آن ها را به ما منتقل می کند. در این شماره به یکی از مثل های قوم کرمانج از زبان «فرامرز نورمحمدزاده» می پردازیم. وی با بیان این که ضرب المثل «ژَور دلوپ رَوی مَور بارانِ» به معنای این است که «از زیر قطره های باران فرار کردم زیر خود باران»، می افزاید: این مثل بیانگر پناه بردن از شرایط بد به بدتر است.

شرکت ایران پیام

با بیش از چهل سال فعالیت مبادله سریع محمولات به تهران و شعب شهرستانها نماینده فعال جهت شهرستان بجنورد می پذیرد.

تلفن تماس مشهد ۰۵۱۳۲۷۶۴۳۰۴-۰۹۳۷۴۷۷۴۶۸۹ ل/۹۸۰۵۹۵۰۰

تبلیغ موثرنوعی ارتباط برای پاسخگویی بهتر به نیازها ورضایتمندی بیشتراست

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش پنج حوزه ثبتی شهرستان اسفراین

پیرو آگهی قبلی به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک تحدید حدود شماره زیر: قریه خرینان پلاک شصت و چهار(۶۴) اصلی ۵۳۶۳ فرعی مفروز از ۲۵۰ فرعی آقای رضا معمری فرزند رمضانعلی ششدانگ یک قطعه زمین محصور متصل به منزل در روز شنبه ۱۳۹۸/۰۶/۰۲ ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ قبل از ظهر در محل به عمل خواهد آمد. لذا به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار میگردد که در روز و ساعت بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشد مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین، تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود ارتفاقی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبتی، معترضین میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. **تاریخ انتشار: پنجشنبه ۱۳۹۸/۰۵/۱۰**

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

ل/۹۸۰۵۹۵۶۹

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷ پرونده ۱۳۹۸۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۲۹۹ و ۱۳۹۸۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۰۸۳

بدین وسیله به آقای موسی سلیمی فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۲۸۷۴۵ و شماره ملی ۰۶۸۰۲۸۰۵۰۲ مدیون پرونده های اجرایی کلاسه به شماره بایگانی ۹۸۰۰۰۹۷ و ۹۸۰۰۳۳۰ ابلاغ می گردد ششدانگ پلاک ثبتی شماره ۴۹۱ فرعی از ۱۵۱- اصلی بخش دو بجنورد و مازاد اول شش دانگ پلاک ۱۸۸۹ فرعی از ۱۵۴- اصلی بخش دو بجنورد متعلق به شما در قبال تعداد ۸۰ سکه طلای تمام بهار آزادی بابت اصل طلب خانم شهربانو وحیدی و به انضمام پنج درصد بابت حقوق دولتی متعلقه موضوع پرونده های فوق بازداشت گردیده است؛ لذا طبق ماده ۸۷ آئین نامه اجراء مراتب به شما اخطار می شود. ضمناً هر گونه نقل انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی شود. در ضمن این آگهی در یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار چاپ و منتشر می گردد و عملیات اجرائی بلافاصله پس از سپری شدن مهلت مذکور ادامه خواهد یافت و به جز آگهی های اخطار ماده ۱۰۱ آئین نامه و مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد.

۷۳۷/ م الف

حمید عزیزی- رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

ل/۹۸۰۵۹۹۸۷

ل/۹۸۰۶۰۲۱۰